

# The position of detection devices in the criminal policy of combating goods and currency smuggling

*Omid Rostami Ghazani*<sup>1</sup>

Type of article: research article

Received: 9/10/2021

Accepted: 4/2/2022

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.7/NO.4(serial26)/winter 2023\*105-130



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.100453

## Abstract

Due to the importance and extent of committing the crime of goods and currency smuggling, the legislator has always followed a differential criminal policy regarding this crime, one of the examples of which is the provision of the institution of “detective devices” in the Law on Combating Goods and Currency Smuggling. In this article, in a descriptive-analytical way, and in order to answer the question, “What is the position of detective agencies in the criminal policy of combating goods and currency smuggling”, an attempt has been made to explain the concept and examples of detective agencies, Explain their role in the criminal policy of combating smuggling. In fact, there is a “public and private” relationship between the investigating agency and the bailiff, and illustrative examples of investigative agencies are provided in Article 36 of the Law on Combating Goods and Currency Smuggling. Among the duties and powers of the investigative bodies, preparation of the minutes of the discovery meeting, determination of the initial value of smuggled goods and currency, jurisdiction to deal with some smuggling cases and the right to appeal the acquittal and prohibition of prosecution decisions of the revolutionary courts and government penal branches. Is; In addition, those detectives who are also bailiffs have the authority to exercise the powers of bailiffs in the cases of discovering the crime of goods and currency smuggling. In line with the protection of the discovery agencies and their officers in the performance of their duties, protections have been provided in the law, which include the removal of the civil liability of the discovery officers and the payment of discovery fees; Although the existence of conflicts and legal ambiguities and practical problems have made these protections ineffective in practice.

**Keywords:** crime detection, detection system, bailiff, goods and currency smuggling, criminal policy

---

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ahl al-Bayt International University, Tehran, Iran o.rostamighazani@abu.ac.ir

# جایگاه دستگاه‌های کاشف در سیاست کیفری مبارزه با قاچاق کالا و ارز

امید رستمی غازانی<sup>۱</sup>

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هفتم/شماره ۴(پیاپی ۲۶) - زمستان ۱۴۰۱ \* ۱۰۵-۱۳۰



DOR: 20.1001.1.25381946/ssj.2023.100453

## چکیده

با توجه به اهمیت و گستردگی ارتکاب بزه قاچاق کالا و ارز، قانون‌گذار همواره در خصوص این بزه از سیاست کیفری افتراقی تبعیت نموده‌است که یکی از مصادیق آن، پیش‌بینی نهاد "دستگاه‌های کاشف" در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد. در این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی و در پی پاسخ‌گویی به این سوال که «جایگاه دستگاه‌های کاشف در سیاست کیفری مبارزه با قاچاق کالا و ارز چیست»، سعی شده‌است که ضمن تبیین مفهوم و مصادیق دستگاه‌های کاشف، نقش آنها در سیاست کیفری مبارزه با قاچاق تبیین شود. در واقع، بین دستگاه کاشف و ضابط دادگستری، رابطه "عموم و خصوص من وجه" وجود دارد و مصادیق تمثیلی دستگاه‌های کاشف در ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیش‌بینی شده‌است. از جمله وظایف و اختیارات دستگاه‌های کاشف، تهیه صورت‌جلسه کشف، تعیین ارزش اولیه کالا و ارز قاچاق، صلاحیت رسیدگی به برخی از پرونده‌های قاچاق و حق تجدیدنظرخواهی از آرای برائت و منع تعقیب دادگاه‌های انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی است؛ علاوه بر این، آن دسته از کاشفینی که ضابط نیز می‌باشند، صلاحیت اعمال اختیارات ضابطین را در موارد کشف بزه قاچاق کالا و ارز دارا می‌باشند. در راستای حمایت از دستگاه‌های کاشف و مأموران آنها در مقام ایفای وظیفه، حمایت‌هایی در قانون پیش‌بینی شده‌است که سلب مسئولیت مدنی مأموران کاشف و پرداخت حق‌الکشف از آن جمله است؛ هر چند که وجود تعارضات و ابهامات قانونی و مشکلات عملی، در عمل، این حمایت‌ها را ناکارآمد نموده‌است.

**واژگان کلیدی:** کشف جرم، دستگاه کاشف، ضابط دادگستری، قاچاق کالا و ارز، سیاست کیفری

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع)، تهران، ایران  
o.rostamighazani@abu.ac.ir

## مقدمه

یکی از معضلات ایران در سده‌های اخیر، موضوع قاچاق کالا و ارز بوده‌است که با توجه به گستردگی ارتکاب و تنوع روش‌های ارتکاب آن، اثرات منفی گسترده‌ای را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در پی داشته‌است (سیف، ۱۳۸۷: ۱۱۶ - ۸۱). ویژگی‌های جرم‌شناختی قاچاق کالا و ارز و ارتباط این بزه با جرایم اقتصادی، سازمان‌یافته، فراملی و بدون بزه‌دیدة سبب گردیده‌است که قانون‌گذار از همان بدو قانون‌گذاری، در پاسخ‌های کیفری و غیر کیفری ناظر به این بزه و فرآیندهای ناظر به این پاسخ‌ها، مقررات خاصی را متناسب با این بزه پیش‌بینی نماید که تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و اصلاحات بعدی آن نیز نمودی از استمرار این سیاست افتراقی است (فتحی و امیرحاجیلو، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و دانش، ۱۳۹۸؛ پاک‌نیت، ۱۳۹۸). یکی از نمودهای این سیاست افتراقی را می‌توان در مقوله کشف بزه قاچاق کالا و ارز و پیش‌بینی نهاد "دستگاه کاشف" دانست.

در ماده ۷ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۳ به "سازمان‌های کاشف" اشاره شده بود و در ادامه، به‌موجب بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی آن قانون مقرر شده بود که «سازمان کاشف: سازمانی است که به‌موجب قوانین و مقررات جاری کشور، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به عهده دارد»؛ بر این اساس، در زمان حاکمیت قانون مزبور، علاوه بر ضابطین عام حسب مورد، ادارات مأمور وصول درآمدهای دولت نیز وظیفه کشف بزه قاچاق را برعهده داشتند (اجتهادی، ۱۳۸۰: ۱۵۰) اما در این قانون، قلمرو سازمان‌های کاشف، به نحو دقیق مشخص نشده بود.

با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بند ص ماده ۱ این قانون در مقام ارائه تعریف بیان می‌دارد: «دستگاه کاشف: دستگاه اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری است که به‌موجب این قانون و سایر قوانین و مقررات، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز و کشف آن را برعهده دارد». آن‌گونه که از این تعریف و از عنوان این دستگاه‌ها برمی‌آید، مهم‌ترین وظیفه دستگاه‌های کاشف، کشف بزه قاچاق کالا و ارز است.

دستگاه کاشف موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نقش آن را در فرآیند دادرسی می‌بایست متفاوت از نهادهای "شاکی" و "ضابط دادگستری" دانست. دستگاه کاشف وظیفه کشف بزه قاچاق کالا و ارز را برعهده دارد و بزه قاچاق کالا و ارز اصولاً در زمره جرایم بدون بزه‌دیدة مستقیم است و شخص خاصی به‌صورت مستقیم از آن متضرر نمی‌شود و ضرر اصلی متوجه بودجه عمومی دولت و نظام اقتصادی جامعه و کنشگران مختلف آن، از جمله تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است.

علاوه بر این، با توجه به اختیارات گسترده مقرر برای ضابطین (در جرایم مشهود و غیرمشهود) در قانون آیین دادرسی کیفری، کاشفین (جز در مواردی که عنوان ضابط نیز بر آنها صدق نماید) فقط وظیفه کشف بزه قاچاق کالا و ارز قاچاق را دارند و دیگر اختیارات ضابطان در مرحله تحقیقات مقدماتی (مانند دستگیری متهم) به آنان محول نشده است. بر این اساس، عملکرد دستگاه‌های کاشف را می‌بایست نوعی اعلام جرم دانست که توسط مقامات رسمی به مراجع رسیدگی کننده (دادسرای عمومی و انقلاب و تعزیرات حکومتی) صورت می‌گیرد؛ اما با این ویژگی خاص و مهم که به موجب قانون، کشف فعال (و نه لزوماً منفعل) بزه قاچاق کالا و ارز، جزو وظایف ذاتی این دستگاه‌ها است. در ادامه، در جهت تبیین جایگاه دستگاه‌های کاشف در سیاست کیفری مبارزه با قاچاق کالا و ارز، طی چهار بند به "قلمرو شمول دستگاه‌های کاشف و انواع آن"، "ضوابط قانونی حاکم بر عملکرد کاشفین"، "حدود اختیارات و تکالیف دستگاه‌های کاشف" و "حمایت‌های قانونی از دستگاه‌های کاشف و کاشفین" پرداخته می‌شود.

## ادبیات نظری پژوهش

### الف. قلمرو شمول دستگاه‌های کاشف و انواع آن

مصادیق دستگاه‌های کاشف در ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیان شده است: «دستگاه‌های زیر در حدود وظایف محوله قانونی، کاشف در امر قاچاق محسوب می‌شوند: الف - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ب - وزارت جهاد کشاورزی؛ پ - گمرک جمهوری اسلامی ایران در محدوده اماکن گمرکی؛ ت - سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان؛ ث - سازمان حفاظت محیط‌زیست؛ ج - سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛<sup>۱</sup> چ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ ح - شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران؛ خ - شرکت سهامی شیلات ایران؛ د - شرکت دخانیات ایران»<sup>۲</sup>. با توجه به قلمرو گسترده کالاهای موضوع بزه قاچاق از یک سو و تعدد رفتارهای مشمول عنوان بزه قاچاق از دیگر سو (ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی و ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)، آن گونه که صدر ماده تصریح دارد، هر یک از دستگاه‌های مذکور فقط

۱. به موجب قانون تشکیل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مصوب ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ در حال حاضر، این وزارتخانه جایگزین سازمان مذکور شده است.

۲. به موجب بند الف مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۰ هیأت وزیران امور حاکمیتی از شرکت دخانیات ایران منتزع و به وزارت صنعت، معدن و تجارت واگذار گردید. «به منظور ایجاد شرایط لازم برای واگذاری شرکت دخانیات ایران، وظایف و اختیارات زیر به عنوان وظایف و اختیارات حاکمیتی از شرکت یادشده منتزع و به همراه امکانات، اعتبارات، پست‌های سازمانی و نیروهای انسانی مرتبط با آن به وزارت صنعت، معدن و تجارت انتقال می‌یابد: ... ۴ - تعقیب و پیگیری پرونده‌های قاچاق کالای دخانی به عنوان سازمان شاکی و مأمور وصول عایدات دولت و کلیه امور مرتبط با مبارزه با قاچاق کالای دخانی. ...» با توجه به واگذاری اختیارات صورت گرفته از شرکت ملی دخانیات ایران به وزارت صنعت، معدن و تجارت، ذکر عنوان این شرکت و در مقابل عدم ذکر وزارت صنعت، معدن و تجارت در فهرست دستگاه‌های کاشف محل اشکال است.

در حدود وظایف محوله قانونی خود، کاشف محسوب می‌شوند.

پیش‌بینی نهادهای متعدد به‌عنوان دستگاه کاشف، از یک‌سو می‌تواند به‌عنوان یکی از مزیت‌های قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تلقی شود و آن را در راستای بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت نهادهای مختلف در مبارزه با قاچاق کالا و ارز تلقی نمود، اما این امر می‌تواند واجد آثار منفی نیز باشد. عدم مدیریت صحیح این نهادها می‌تواند موجب موازی‌کاری و یا غفلت در نظارت بر قاچاق بخشی از کالاها شود (زارع مهدوی و سهرابی، ۱۳۹۶: ۹۱ و ۹۲). راهکار مقرر در قانون برای دفع و رفع این مسئله، پیش‌بینی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که از جمله وظایف آن، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی، پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. در اینجا لازم به ذکر است که هرچند در قانون، علاوه بر وظایف کلان، گاه اختیارات خرد (مانند اختیار مقرر در ماده ۶۱ قانون برای تقاضای تعقیب و رسیدگی به پرونده‌ها) نیز به ستاد محول شده‌است، اما ستاد دستگاه کاشف محسوب نمی‌شود. همچنین، به‌موجب تبصره ماده ۳۶ «ضابطین نیز در حدود وظایف محوله قانونی خود کاشف محسوب می‌شوند». رابطه بین عنوان «ضابط» و «کاشف» عموم و خصوص من وجه است؛ بدین ترتیب که دستگاه‌های موضوع ماده ۳۶ کاشف می‌باشند، بدون آنکه ضابط باشند و ضابطان نیز در صورتی کاشف محسوب می‌شوند که مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حدود وظایف قانونی آنها باشد. به‌موجب ماده ۸ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف این نیرو به‌عنوان ضابط قوه قضاییه، مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد. علاوه بر این، به‌موجب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ضابط عام شناخته شده و از این‌رو، در صلاحیت آنها به‌عنوان ضابط در امر کشف قاچاق کالا و ارز تردیدی وجود ندارد.

ضابطان خاص مقرر در بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری فقط در صورتی کاشف محسوب می‌شوند که مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حدود صلاحیت آنها باشد. بر این اساس، به‌موجب ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مأموران حفاظت گمرک‌های کشور در حدود وظایف و با شرایط مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری ضابط خاص قضایی محسوب می‌شوند. محدوده مکانی صلاحیت مأموران حفاظت گمرک‌های کشور به‌عنوان ضابط در محدوده اماکن گمرکی است و در خارج از آن ضابط محسوب نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

در خصوص شمول عنوان «ضابط خاص» بر مأموران وزارت اطلاعات در بزه قاچاق کالا و ارز و به تبع

۱. مطابق خبر منتشره در خبرگزاری‌های رسمی به نقل از رئیس‌جمهور وقت در اواخر سال ۱۳۹۶، به‌موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی، مأموریت مبارزه با قاچاق در خلیج فارس به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز محول شده‌است (<https://www.javanonline.ir/fa/>) (news/۸۹۷۶۵۶) بر این اساس، در چارچوب این مصوبه سپاه پاسداران در بزه قاچاق ضابط و به تبع آن، دستگاه کاشف محسوب می‌شود.

آن، صدق عنوان "کاشف" ابهام وجود دارد. توضیح آنکه، به موجب ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی موظفند با هماهنگی مرجع ذی صلاح قضایی، خود یا بنا بر اعلام دستگاه کاشف، شبکه‌های اصلی، گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی‌های آنها را شناسایی و اقدام به تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات نمایند». وزارت اطلاعات به استناد ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ضابط خاص محسوب می‌شود، اما نکته مهم آن است که نفس این ماده، مأموران وزارت اطلاعات را در زمره ضابطان خاص قرار نمی‌دهد، بلکه این امر را موکول به پیش‌بینی اختیار ضابطان برای آنها در قوانین دیگر می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین قوانینی که در این زمینه وجود داشت، تکلیف مقرر برای وزارت اطلاعات به موجب ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) بوده است که به موجب آن، وزارت اطلاعات موظف بود «... اقدامات زیر را انجام دهد: ... ب - پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، ... در مقام ضابط دادگستری ...». بر این اساس، وزارت اطلاعات در چارچوب این ماده در برخی از مصادیق قاچاق کالا و ارز نیز می‌توانست به عنوان ضابط عمل نماید و در این موارد، از اختیارات ضابطین دادگستری نیز برخوردار بوده است؛ اما با انقضای مهلت اجرای این قانون و اجرایی شدن قانون برنامه ششم، مستند پیش گفته، در شرایط کنونی فاقد اعتبار است؛ بنابراین، در اجرای ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مأموران وزارت اطلاعات را نمی‌توان ضابط تلقی نمود و اما در حدود قلمرو ماده که ناظر به قاچاق سازمان‌یافته است، با توجه به اینکه یکی از وظایف وزارت اطلاعات شناسایی گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق کالا و ارز می‌باشد، با توجه به شمول تعریف "دستگاه کاشف" مقرر در بند ص ماده ۱ قانون، می‌توان این وزارتخانه را در حدود قاچاق سازمان‌یافته دستگاه کاشف دانست، بی‌آنکه ضابط باشد.<sup>۱</sup> نتیجه این استدلال آن است که مصادیق دستگاه‌های کاشف مذکور در ماده ۳۶ قانون را می‌بایست تمثیلی دانست.

### ب. ضوابط قانونی حاکم بر عملکرد کاشفین

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در نوع خود، قانونی جامع بوده و مشتمل بر مقررات ماهوی و شکلی و نیز مقررات ناظر به پیشگیری از قاچاق کالا و ارز است. ملاحظه فهرست قوانین منسوخ به موجب ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نشان از اراده قانون‌گذار در یکپارچه‌سازی سیاست جنایی حاکم بر حوزه قاچاق کالا و ارز دارد. مقررات دادرسی خاص پیش‌بینی شده در این قانون اغلب در تعارض با قانون آیین دادرسی کیفری است و در مقام تعارض مقررات قانون مبارزه با قاچاق کالا و

۱. البته برخی بر این نظر هستند که به موجب ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختیارات ضابطان به مأموران وزارت اطلاعات محول شده است (فتحی و امیر حاجیلو، ۱۳۹۷: ۳۸۳).

ارز مقدم بر مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است. این امر نه تنها از اصل تخصیص قانون عام به موجب قانون خاص به دست می‌آید، بلکه خود قانون نیز به این امر تصریح دارد. به موجب ماده ۵۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیش‌بینی نشده است، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار می‌شود». به موجب شرط رجوع به قانون آیین دادرسی عدم پیش‌بینی شرایط و ضوابط دادرسی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است؛ البته اجرای ماده مذکور گاه با ابهامات و اشکالاتی مواجه است اما در خصوص کلیت موضوع، بحثی نیست.

با توجه به تفکیک مصادیق "جرم" و "تخلف" قاچاق کالا و ارز به موجب ماده ۴۴ قانون، اطلاق و عموم ماده ۵۱ را می‌بایست شامل هر دو دانست. به عبارت دیگر، در رسیدگی به جرایم قاچاق (در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب) و تخلفات قاچاق (در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی)، مفاد ماده ۵۱ جاری است و نتیجه این امر آن است که صلاحیت‌ها و اختیارات اعطایی به ضابطان در خصوص جرم قاچاق کالا و ارز، شامل مصادیق تخلف آن نیز می‌شود. آن گونه که برخی از حقوق دانان نیز با لحاظ تحولات ضمن فرآیند تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیان داشته‌اند که آنچه که از نحوه نگاه و اقدام قانون‌گذار استنباط می‌شود این است که این تفکیک فقط در حدود تفکیک صلاحیت مراجع قضایی از شعب سازمان تعزیرات حکومتی کاربرد داشته و به غیر از این، اثری بر آن مترتب نیست (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۳۸).

پیش‌بینی رجوع به مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، در موارد عدم پیش‌بینی شرایط و ضوابط دادرسی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نه به معنای "اختیار" در رجوع به قانون آیین دادرسی کیفری، بلکه "الزام" می‌باشد؛ بنابراین، اختیارات و تکالیف تمامی اشخاصی که در فرآیند کیفری پرونده‌های قاچاق ایفای نقش می‌نمایند (و از جمله ضابطان و کاشفان) در صورت عدم پیش‌بینی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری تعیین می‌شود. البته این بدین معنا نیست که بتوان از ماده ۵۱ مفهوم مخالف گرفت و در نتیجه، اجرای مقررات دیگر را منع نمود. آنچه که این ماده به دنبال بیان آن بوده است، تبیین رابطه طولی بین مقررات دادرسی مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون آیین دادرسی کیفری است؛ اما در مواردی که خود قانون آیین دادرسی کیفری، امکان رجوع به دیگر قوانین را داده باشد (مانند ماده ۱۷۷ این قانون در خصوص نحوه ابلاغ اوراق قضایی) و یا اینکه امکان رجوع به عمومات به موجب اصول و مبانی حقوقی وجود داشته باشد (مانند رجوع به قانون اساسی) می‌توان به دیگر قوانین و مقررات نیز رجوع نمود. شرط رجوع به قانون آیین دادرسی کیفری "عدم پیش‌بینی شرایط و ضوابط دادرسی" در قانون

مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. در خصوص مفهوم این شرط و به تبع آن، در میزان رجوع به قانون آیین دادرسی کیفری ابهام وجود دارد. آیا این شرط بدین معنا است که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به آن موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده باشد؟ یا اینکه اگر در این قانون به موضوعی به اجمال اشاره شده باشد، این بدین معنا است که دیگر امکان رجوع به قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص آن موضوع وجود ندارد؟ به عنوان نمونه، به موجب ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بازرسی از اماکن به منظور کشف کالا یا ارز قاچاق می‌بایست با اجازه خاص مقام قضایی باشد و به تعبیر دیگر، این امر از اختیار رؤسای شعب تعزیرات حکومتی خارج است. حال در این خصوص، سؤالات بسیاری مطرح می‌شود؛ نظیر اینکه آیا این ماده نافی اختیار ضابطین در بازرسی اماکن در موارد بزه‌های مشهود است؟ در خصوص بازرسی از وسایل نقلیه تکلیف چیست؟ و... اگر بپذیریم که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص این موارد سکوت اختیار نموده است، می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری رجوع نمود و اما اگر قائل باشیم که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ماده ۴۲ تکلیف بازرسی از اماکن را به نحو کلی مشخص نموده است، دیگر نمی‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری رجوع نمود. در پاسخ به سؤالات پیش گفته، با توجه به اینکه اصل کلی در رسیدگی‌های کیفری مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است و مقررات دادرسی مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز استثنا است، بنابراین، اجمالات مقررات دادرسی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را می‌بایست با رجوع به قانون آیین دادرسی کیفری برطرف نمود.

قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان قانون عام در رسیدگی‌های کیفری مطرح است. به موجب ماده ۱ این قانون، آیین دادرسی کیفری مشتمل بر مقررات و قواعد کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی و... است. در پرونده‌های قاچاق کالا و ارز نیز این موضوعات مطرح است و طبیعی است که بتوان در زمینه تعیین حدود اختیارات کاشفین و ضابطین در فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قاچاق از این قانون بهره برد. موضوعی که در ماده ۴۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز به آن تصریح شده است: «ضابطین مکلفند در مبارزه با جرایم قاچاق طبق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار نمایند».

### ج. حدود اختیارات و تکالیف دستگاه‌های کاشف

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حدود اختیارات و تکالیف دستگاه‌های کاشف به نحو پراکنده و غیرمنسجم بیان شده است و از این رو، ارائه فهرستی دقیق از این اختیارات و تکالیف می‌تواند راهگشا باشد. همچنین، با توجه به اینکه کاشفین به دو گروه کاشفین ضابط و غیرضابط تقسیم می‌شوند، در



برخی از موارد، برای گروه نخست، اختیارات و تکالیف گسترده‌تری پیش‌بینی شده‌است. در ادامه، به مهم‌ترین اختیارات و تکالیف ضابطین اشاره می‌شود.

### ۱. اعلام بزه به مراجع رسیدگی‌کننده

اعلام بزه از سوی شخصی است که نه در ارتکاب بزه مداخله داشته و نه به‌عنوان بزه‌دیده حق شکایت کیفری دارد. اعلام بزه ممکن است از طریق مأموران رسمی یا از طریق شهروندان عادی صورت گیرد که گاه قانون‌گذار احکام متفاوتی را برای آنها مقرر نموده‌است.

هرچند که به‌موجب ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری «هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرایم غیرقابل‌گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند...» و نقض این تکلیف می‌تواند تخلف اداری محسوب شود اما در خصوص قاچاق کالا و ارز، این امر می‌تواند جرم کیفری نیز محسوب شود. در جهت پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر جهت ایفای صحیح وظایف توسط مأموران دستگاه‌های کاشف در مبارزه با قاچاق، در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیش‌بینی شده‌است که «مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند، در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌گردند؛ مگر آنکه عمل مرتکب به‌موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت، به مجازات شدیدتر محکوم می‌شوند» (تبصره ۱ ماده ۳۵). «کارکنان تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز ... مشمول حکم این ماده و تبصره ۱ می‌شوند» (تبصره ۲ ماده ۳۵). با توجه به تعریف دستگاه کاشف که مبارزه با قاچاق کالا و ارز جزو وظایف آن می‌باشد، تردیدی در شمول جرم‌انگاری مذکور در تبصره ۱ ماده ۳۵ نسبت به کارکنان دستگاه‌های کاشف وجود ندارد. البته هرچند در تبصره «کارکنان» به نحو مطلق ذکر شده‌است و اما با توجه به اینکه رفتار مورد جرم‌انگاری در قالب ترک وظیفه (خودداری از تعقیب مرتکبان یا اقدام برخلاف قوانین و مقررات) می‌باشد، بدیهی است که آن دسته از کارکنان دستگاه کاشف که در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز دارای وظایفی هستند، می‌توانند مرتکب این جرم باشند.

### ۲. تنظیم صورت جلسه کشف

یکی از مهم‌ترین وظایف کاشفین پس از کشف کالا و ارز قاچاق، تهیه صورت جلسه کشف می‌باشد. با وجود اهمیت این موضوع، قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به جای پرداختن منسجم و تفصیلی به این موضوع، آن را در بین مواد پراکنده و به اجمال بیان نموده‌است. به‌موجب ماده ۱۱۸ قانون امور گمرکی «مقررات ... تهیه صورت مجلس قاچاق ... تابع قوانین مربوط به قاچاق

است». با توجه به اینکه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقررات خاصی در خصوص نحوه تنظیم صورت جلسه کشف کالای قاچاق پیش‌بینی نشده‌است، به استناد ماده ۵۱ این قانون، این امر می‌بایست با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی کیفری (و از جمله ماده ۱۱۵ این قانون) نسبت به تنظیم صورت مجلس اقدام شود.

با توجه به مفاد ماده ۴۱ و تبصره ۱ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ماده ۱۱۶ قانون امور گمرکی، موارد زیر در صورت جلسه کشف ذکر می‌شود: مشخصات دقیق کالا و یا ارز قاچاق، مالک و حامل کالا و یا ارز قاچاق، وسایل حمل کالا و یا ارز قاچاق یا محل نگهداری و یا اختفای کالا و یا ارز قاچاق، امضای متهم یا متهمان و در صورت استنکاف قید این امر، نام شخص یا اشخاص دخیل در کشف. علاوه بر این موارد، به موجب ماده ۳۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، هرگاه در زمان کشف قاچاق، دستگاه اجرایی کاشف بر مبنای قرائن و امارات موجود (از جمله وسایل و تجهیزات مورد استفاده در ارتکاب جرم و حجم و ارزش کالای مکشوفه) علم یا ظن وقوع قاچاق به نحو سازمان یافته، تعلق کالای قاچاق یا عواید و سود حاصل از آن به شخص یا اشخاصی غیر از متهم و یا سابقه ارتکاب قاچاق توسط متهم داشته باشد، مکلفند این موضوع را با ذکر قرائن و امارات مزبور برای انجام اقدامات قانونی به مرجع رسیدگی کننده اعلام نمایند.

با توجه به اینکه صورت جلسه کشف توسط مأموران رسمی تنظیم شده‌است و در صورتی که در حدود وظایف و اختیارات آنها باشد، این صورت جلسه سند رسمی محسوب می‌شود، از این رو، ارتکاب مصادیق جعل مذکور در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به موجب عموماً قانونی منتهی به اعمال مجازات جعل می‌شود و اما قانون گذار در این خصوص، حکم خاصی را وضع نموده‌است. از آنجا که در برخی از مواقع، مأموران کاشف برای بهره‌مندی تعداد بیشتری از همکاران خود از حق الکشف و یا برعکس، برای کمتر جلوه دادن میزان کالای مکشوفه و برخورداری صاحب کالا و ارز از مزایا یا معافیت از مجازات‌ها، اقدام به تغییر صورت مجلس می‌کردند، این امر سبب گردید که قانون گذار این موارد را در ماده ۱۱۶ قانون امور گمرکی جرم‌انگاری نماید (رودگر کوهپر، ۱۳۹۶: ۲۹۵). «هرگونه حک و اصلاح در صورت مجلس کشف و ضبط، حذف یا الحاق نام شخص یا اشخاص دیگری در آن به عنوان عوامل کشف و تغییر دادن در مندرجات آن ممنوع است و مرتکب در صورت وجود عمد به عنوان جعل و تزویر در اسناد دولتی در مراجع قضایی مورد تعقیب قرار می‌گیرد...». ماده ۱۱۶ در خصوص ویژگی مرتکب توضیحی به میان نمی‌آورد، بنابراین، امکان ارتکاب آن از سوی هر شخصی وجود دارد و البته خود کاشفان، یکی از محتمل‌ترین مرتکبان جعل موضوع این ماده می‌باشند.

### ۳. تعیین ارزش اولیه کالا و ارز قاچاق

یکی از تکالیف کاشفان پس از کشف کالا و ارز موضوع قاچاق تعیین ارزش اولیه آن است. این اختیار کاشفان را می‌توان از مواد ۲۱ و ۵۳ قانون که اشاره به تشخیص اولیه ارزش کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه توسط دستگاه کاشف دارد، استنباط نمود که این ارزش‌گذاری می‌بایست با توجه به تأثیری که ارزش کالا و ارز قاچاق مکشوفه در صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده، قرار تأمین متناسب کیفری و... دارد، اهمیت این تکلیف کاشفین مشخص می‌شود.

در جهت مساعدت به کاشفین در تعیین دقیق ارزش کالا در ماده ۶۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر شده‌است که «سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت مکلف است که فهرست ارزش کالاهای وارداتی را بر اساس نرخ برابری ارز اعلامی توسط بانک مرکزی به‌صورت سالانه در اختیار کلیه دستگاه‌های کاشف و ضابطین قضایی مرتبط برای تعیین ارزش اولیه قرار دهد. در صورتی که در طول سال، در فهرست ارزش کالاهای وارداتی تغییرات عمده‌ای رخ دهد، توسط سازمان ذی‌ربط اعلام می‌شود». البته در ماده ۲۱ به «تشخیص اولیه دستگاه کاشف» و در ماده ۶۲ به «ارزش اولیه» تعیینی توسط دستگاه کاشف اشاره شده‌است که ظاهراً منظور قانون‌گذار، یکی بوده‌است و منظور ارزشی بوده‌است که دستگاه کاشف در ابتدا برای کالا و یا ارز موضوع اتهام قاچاق تعیین می‌کند؛ چراکه ارزش اولیه در مقابل ارزش تعیینی توسط گمرک یا سایر سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت (به استناد ماده ۴۷ قانون) می‌باشد.

### ۴. اختیارات مربوط به جرایم مشهود

دستگاه‌های کاشف اصولاً فاقد اختیارات مقرر برای ضابطین دادگستری هستند؛ مگر آنکه به تبع ضابط بودن، کاشف نیز محسوب شوند. بر همین اساس است که «در مواردی که دستگاه‌های کاشف فاقد اختیارات ضابطین دادگستری باشند، موظفند پس از کشف بلافاصله با تنظیم صورت جلسه کشف موضوع را جهت اقدام قانونی به ضابطین یا مراجع قضایی<sup>۱</sup> اطلاع دهند» (تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز). بر این اساس، به استثنای کشف دیگر اختیارات و تکالیف مقرر برای ضابطین به‌موجب ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، از جمله «حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم»، «شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم»، «تحقیقات مقدماتی»، «ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی» شامل آنها نمی‌شود و ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز دقیقاً در همین راستا وضع شده‌است و بر این اساس است که به‌عنوان

۱. به‌جای «مراجع قضایی» قانون‌گذار می‌بایست از عبارت «مراجع ذی‌صلاح» استفاده می‌نمود که شامل شعب تعزیرات حکومتی نیز بشود. ماده ۳۵ لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز درصدد رفع این اشکال است.

نمونه، «... در صورتی که بازرسان سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها (سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان) کاشف کالا و یا ارز قاچاق باشند، مکلفند وفق تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نسبت به اعلام موضوع به ضابطین و یا حسب مورد، مراجع رسیدگی کننده صالح اقدام نمایند» (نظریه مشورتی شماره ۹۵/۲۱۰/۴۲۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۹ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی). در حالی که دستگاه‌های کاشف صرف، فقط مسئولیت تنظیم صورت جلسه کشف را برعهده دارند، برای دستگاه‌های کاشف ضابط، اختیارات و تکالیف دیگری نیز مقرر شده است. اختیارات و تکالیف ضابطین دادگستری در مواجهه با قاچاق کالا و ارز، مانند دیگر جرایم و مطابق مقررات مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد: «ضابطین مکلفند در مبارزه با جرایم قاچاق طبق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار نمایند» (ماده ۴۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

یکی از اختیارات مصرح کاشفین ضابط در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز توقیف اموال مکشوفه، وسایل حمل کالا و یا ارز قاچاق و پلمب محل نگهداری و اختفای کالا و یا ارز قاچاق است. «به استثنای موارد منطبق با ماده (۲۱) این قانون، هنگام کشف قاچاق، ضابطین مکلفند اموال مکشوفه و وسایل حمل کالا و یا ارز قاچاق یا محل نگهداری و اختفای آن را مطابق این قانون حسب مورد توقیف و پلمب کنند...» (ماده ۴۱). استثنای موارد منطبق با ماده ۲۱ در صدر این ماده از آن رو است که هرچند در این موارد نیز کالا توقیف می‌شود و اما خود دستگاه کاشف با تنظیم صورت جلسه آن را به نفع دولت ضبط می‌نماید. در این ماده، تکلیف توقیف کالا و وسایل حمل و نیز پلمب محل اختفا فقط از وظایف ضابطان کاشف می‌باشد و این بدین معنی است که کاشفان غیر ضابط فاقد این اختیار می‌باشند. البته به موجب ماده ۵۳ «دستگاه‌های کاشف و ضابطین موظفند کالاهای قاچاق مکشوفه و کلیه اموال منقول و غیر منقول و وسایل نقلیه اعم از زمینی، دریایی و هوایی را که در اجرای این قانون، توقیف می‌شوند، ... بلافاصله پس از کشف، تحویل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نمایند...». ممکن است این سؤال پیش آید که چرا در ماده ۴۱ قانون‌گذار توقیف کالا و ارز قاچاق را از وظایف «ضابطین» و در ماده ۵۳ از وظایف «دستگاه‌های کاشف و ضابطین» دانسته است؟ یک پاسخ محتمل آن است که با توجه به عبارت ماده ۴۱ منظور از دستگاه‌های کاشف در ماده ۵۳ را فقط مقید به دستگاه‌های کاشف ضابط نمود و اما این اشکال مطرح می‌شود که در ادامه ماده ۵۳ ضابطین نیز به صورت خاص مورد تصریح قرار گرفته است و در این صورت، ذکر «دستگاه‌های کاشف» زاید خواهد بود؛ اما پاسخ آن است که با توجه به صدر ماده ۴۱ که بیان می‌دارد «به استثنای موارد منطبق با ماده (۲۱) این قانون»، در مواردی که ارزش کالا و

یا ارز قاچاق مکشوفه تا حد نصاب مقرر در ماده ۲۱ باشد، در این صورت، موضوع از حکم ماده ۴۱ استثناء شده است و در نتیجه، خود دستگاه کاشف (هرچند ضابط نباشد) می‌تواند کالا و یا ارز موضوع قاچاق را توقیف نماید که در این موارد مکلف است که در اجرای ماده ۵۳ کالا را تحویل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نمایند.

یکی دیگر از اقداماتی که ضابطین در جهت کشف قاچاق کالا و ارز می‌توانند انجام دهند، بازرسی از اماکن است. به موجب ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «در صورت دلالت قرائن و امارات قوی بر وجود کالا و یا ارز قاچاق، ضابطین می‌توانند پس از کسب مجوز بازرسی از مراجع قضایی به انبارها و اماکن و مستغلات محل اختفا یا نگهداری کالا و یا ارز قاچاق وارد شوند و تا حد امکان، با حضور صاحب محل نسبت به بازرسی محل و کشف قاچاق اقدام نمایند و حسب مورد، جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع دهند». البته این ماده به معنای نفی اختیارات ضابطین به موجب عموماً قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص جرایم مشهود نبوده و در این موارد نیز ضابطین مطابق مقررات قانون اخیر اقدام می‌نمایند؛ چراکه به موجب مفهوم مخالف ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم مشهود ضابطین رأساً حق تفتیش دارند. «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین، بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضایی است؛ هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد»<sup>۱</sup>.

به موجب تبصره ۲ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «بازرسی از اماکن عمومی، نیازی به مجوز موضوع این ماده ندارد». «منظور از اماکن عمومی مذکور در ... تبصره ۲ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، محل‌هایی است که معد برای ورود عموم است و مردم بدون نیاز به کسب اجازه حق ورود دارند؛ مانند ادارات، اماکن مذهبی و مراکز خرید و پذیرایی؛ بنابراین، اماکنی مانند پادگان نظامی یا ادارات دولتی خاص نظیر اداره اطلاعات و زندان‌ها که مهیا برای ورود عموم نمی‌باشد، شامل اماکن عمومی نمی‌گردد» (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۹۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۷ اداره کل حقوقی قوه قضاییه). «... در خصوص بازرسی از خودروهای عمومی با وحدت ملاک از تبصره ۲ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیازی به مجوز مرجع قضایی نیست، اما در مواردی که بازرسی مغایر با حق بر رعایت حریم خصوصی است، مانند ساک‌های مسافران در وسیله نقلیه عمومی، بازرسی منوط به اخذ مجوز از مرجع قضایی است» (نظریه مشورتی شماره ۹۵/۲۱۰/۱۴۱۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۳ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی).

۱. در خصوص گستره اختیارات ضابطان در خصوص ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و بازرسی از آنها بدون اخذ مجوز قضایی در جرایم مشهود اختلاف نظر وجود دارد. برای ملاحظه دیدگاه‌های متفاوت ر.ک (خالقی، ۱۳۹۵: ۷۷ و طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۴۰)

## ۵. رسیدگی به برخی از تخلفات قاچاق

با بررسی تاریخی مقررات مربوط به قاچاق، چنین استنباط می‌گردد که اعطای اختیار رسیدگی و تعیین تکلیف در مرحله اداری و انصراف از تعقیب کیفری متهم (قضازدایی) در مورد قاچاق، همواره مد نظر مقنن قرار داشته‌است. این امر، هرچند در اولین جریانات تقنینی به صورت کاملاً محدود پیش‌بینی شده بود، به مرور زمان، بیش از پیش بر دامنه این اختیار و صلاحیت مقامات اداری افزوده شد (آقازاده، ۱۳۸۴: ۴۰ و ۴۱). البته هرچند قضازدایی، به نوبه خود، می‌تواند سیاست مفیدی باشد ولی می‌بایست فقط برای امور کم‌اهمیت مورد استفاده قرار گیرد و استفاده از آن در امور مهم‌تر با فلسفه آن مغایرت دارد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۵۰)؛ بر این اساس، در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه‌های کاشف در برخی از موارد، صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را برعهده دارند و به تعبیر برخی، قانون‌گذار برای دستگاه‌های کاشف به‌عنوان مرجع بدوی رسیدگی، شأن قضایی قائل شده‌است (ابراهیمی و دانش، ۱۳۹۸: ۲۹۶ و ۲۹۷). واگذاری صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های خرد به دستگاه‌های کاشف سبب می‌شود که دیگر مراجع صالح رسیدگی به بزه قاچاق، مشغول پرونده‌های خرد نشوند (بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۹۶: ۱۶۱).

به‌موجب ماده ۲۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «در صورتی که ارزش کالای قاچاق و یا ارزش مکشوفه موضوع ماده (۱۸) این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کاشف معادل ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال<sup>۱</sup> یا کمتر باشد، با قید در صورت جلسه کشف به امضای متهم می‌رسد ... و حسب مورد، کالا ضبط و به‌همراه صورت جلسه، به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی تحویل می‌شود و ارز مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ می‌گردد». محدودیتی که در خصوص صلاحیت دستگاه‌های کاشف وجود دارد، ناظر به ارزش کالا و یا ارز موضوع اتهام می‌باشد. ظاهر ماده ۲۱ بر این است که جهت رسیدگی توسط دستگاه کاشف نیازی به استعلام ارزش کالا از سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت وجود ندارد و دستگاه بر اساس تشخیص خود عمل می‌نماید. با توجه به ارزش پایین کالا و یا ارز قاچاق و تسریع در رسیدگی به آن، اکتفا به تشخیص دستگاه کاشف در ارزش‌گذاری کالا و یا ارز موضوع اتهام قابل‌پذیرش است.

صلاحیت دستگاه‌های کاشف در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز محدود به کالا و یا ارز موضوع ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد. از این عبارت، دو برداشت متصور است؛

۱. به‌موجب ماده ۲۷ لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حدود صلاحیت دستگاه‌های کاشف افزایش یافته و نصاب صلاحیت پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مقرر شده‌است. البته به نظر می‌آید که با توجه به روند موجود تورم در کشور و به‌ویژه، در سال‌های اخیر، می‌توانست نصاب بالاتری مد نظر قرار گیرد.

مطابق برداشت نخست، با توجه به اینکه در ماده ۱۸ به "کالای مجاز"، "کالای مجاز مشروط"، "کالای یارانه‌ای" و "ارز" اشاره شده است؛ بنابراین، ماده ۲۱ فقط ناظر به اقسام چهارگانه مذکور بوده و از این رو، "کالای ممنوع" مشمول حکم مقرر در ماده ۲۱ نمی‌شود. مطابق برداشت دوم، علاوه بر اینکه کالای ممنوع از شمول ماده ۲۱ خارج است، آن دسته از دیگر اقسام کالا و ارز قاچاق که قانون‌گذار برای آنها حکم خاص مقرر نموده است نیز از شمول ماده ۲۱ خارج می‌باشد؛ بنابراین، قاچاق کالاهای موضوع مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز که قانون‌گذار احکام خاصی برای آنها پیش‌بینی نموده است، از شمول ماده ۲۱ خارج است. به تعبیر دیگر، با توجه به تخصیص موارد مذکور از حکم ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نمی‌توان به آنها "کالای قاچاق" یا ارز مکشوفه موضوع ماده (۱۸) این قانون<sup>۱</sup> را اطلاق نمود. برداشت دوم نزدیک‌تر به صواب است؛ چراکه نخست، در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، اصل بر صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است و رسیدگی توسط دستگاه‌های کاشف خلاف اصل بوده و در امور خلاف اصل، تفسیر مضیق پذیرفتنی می‌باشد؛ همچنین، در خصوص قاچاق کالاهای موضوع مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قانون‌گذار عموماً سیاست کیفری سختگیرانه‌ای اتخاذ نموده و مجازات این موارد، عموماً شامل مجازات مقرر برای قاچاق کالای ممنوع می‌باشد و این در حالی است که حکم به شمول ماده ۲۱ بر این موارد برخلاف سیاست سختگیرانه قانون‌گذار می‌باشد.<sup>۱</sup>

در خصوص نگهداری، عرضه یا فروش کالا و ارز قاچاق توسط واحدهای صنفی موضوع ماده ۱۸ مکرر نیز دو دیدگاه وجود دارد. مطابق دیدگاه نخست، نگهداری، عرضه یا فروش کالا و ارز قاچاق موضوع ماده ۱۸ توسط واحدهای صنفی یا صرافی‌ها، صرف‌نظر از ارزش تخلف (تا ده میلیون ریال و بیش از آن) مشمول ماده ۱۸ مکرر است. اگر این دیدگاه پذیرفته شود، در این صورت، موضوع از شمول ماده ۲۱ خارج و در نتیجه، دستگاه‌های کاشف فاقد صلاحیت رسیدگی می‌باشند. مطابق دیدگاه دوم، اعمال ماده ۲۱ مقدم بر ماده ۱۸ مکرر بوده و در نتیجه نگهداری، عرضه یا فروش کالا و ارز قاچاق موضوع ماده ۱۸ توسط واحدهای صنفی یا صرافی‌ها در صورتی که ارزش آن تا ده میلیون ریال باشد، مشمول ماده ۲۱ بوده و در نتیجه صلاحیت رسیدگی به آن نیز در صلاحیت دستگاه‌های کاشف است. از نظر نگارنده، دیدگاه دوم نزدیک‌تر به صواب است؛ چراکه در هر دو ماده ۱۸ مکرر و ۲۱، قانون‌گذار به "کالا و ارز قاچاق موضوع ماده (۱۸)" اشاره نموده است. اما باید توجه داشت که

۱. هم‌راستا با نظر نگارنده، بخش‌نامه شماره ۹۳/۱۶۰/۱۴۲۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۰۲ دفتر مبارزه با قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی بیان داشته است که «... بدیهی است در مواردی که موضوع مشمول مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز باشد، شعب سازمان تعزیرات حکومتی مکلفند با گزارش مراجع و صرف‌نظر از ارزش کالای مکشوفه در اجرای بند الف ماده ۲۲ قانون موصوف نسبت به رسیدگی و صدور رأی مقتضی در خصوص موضوع اقدام نمایند».

ماده ۱۸ مکرر مؤخر بر ماده ۲۱ بوده و به موجب اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۱ به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز الحاق شده است. در واقع، با وضع ماده ۲۱ که هم‌زمان با تصویب ماده ۱۸ بوده است، قاچاق با ارزش تا ده میلیون ریال از شمول ماده ۱۸ تخصیص خورده و مشمول ماده ۲۱ شده است و سپس که قانون گذار با الحاق ماده ۱۸ مکرر به "کالا و ارز قاچاق موضوع ماده (۱۸)" اشاره می‌کند، این بیان در واقع، منصرف از استثنائات قبلی ماده ۱۸ (و از جمله ماده ۲۱) است.

در صورتی که موضوع قاچاق کالا و ارز، موضوع ماده ۱۸ بوده و ارزش آن نیز تا ده میلیون ریال باشد، در این صورت، صلاحیت رسیدگی برعهده دستگاه کاشف است؛ اما ضرورتی وجود ندارد که موضوع قاچاق از یک نوع باشد و چه بسا موضوع مشتمل بر مصادیق مختلف از یک نوع کالا (مانند مجاز) و یا تلفیقی از انواع مختلف (مانند مجاز و مجاز مشروط) باشد. در صورتی که ارزش برخی از کالاها تا ده میلیون ریال و ارزش برخی بیش از آن باشد، در این صورت، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دستگاه کاشف نسبت به کالای با ارزش تا ده میلیون صلاحیت دارد؟ مطابق یک دیدگاه، «چنانچه از متخلفی مجموعه‌ای از کالاهای قاچاق کشف شود،] هر کالا با توجه به گروهی که در آن قرار دارد، به‌طور مجزا قیمت‌گذاری می‌گردد. بر این مبنا، چنانچه ارزش ریالی کالایی خاص، ده میلیون ریال یا کمتر باشد، در خصوص آن کالا طبق ماده ۲۱ عمل می‌شود ولی در خصوص سایر کالاهایی که ارزش ریالی آنها بالای ده میلیون ریال باشد، پرونده حسب مورد، به مرجع ذیصلاح مربوطه برای رسیدگی ارسال خواهد شد؛ بنابراین، تعیین صلاحیت بر مبنای جمع ارزش ریالی کالاهای مختلف مبنای قانونی ندارد»<sup>۱</sup>. این دیدگاه محل اشکال است؛ چراکه نخست، در ماده ۲۱ صلاحیت دستگاه کاشف منوط به آن است که اتهام متهم "کالای قاچاق و یا ارز مکشوفه موضوع ماده (۱۸)" این قانون باشد و تفاوتی بین انواع کالاهای موضوع ماده ۱۸ وجود ندارد و از این رو، در تعیین صلاحیت مجموع ارزش کالا و یا ارز قاچاق موضوع اتهام ملاک است. دوم، پذیرش دیدگاه بالا دارای این اشکال است که در مورد شخصی که اتهام او کالایی از نوع واحد با ارزش بیش از ده میلیون ریال می‌باشد، می‌بایست مطابق ماده ۱۸ علاوه بر ضبط، حکم به جزای نقدی نیز داد و اما در خصوص شخصی که اتهام او مشتمل بر انواع مختلفی از کالاها بوده که ارزش هر یک تا ده میلیون ریال است، فقط مجازات ضبط اعمال می‌شود و این تبعیض، قابل قبول نیست و با فلسفه پیش‌بینی ماده ۲۱ توسط قانون گذار نیز هم‌خوانی ندارد.

البته صلاحیت دستگاه کاشف در رسیدگی به موجب تبصره ۲ ماده ۲۱ تخصیص خورده است. «مرکب قاچاق موضوع این ماده در صورت تکرار برای مرتبه سوم و بالاتر علاوه بر ضبط کالا و یا

۱. نظریه مشورتی شماره ۳۸۶۶/۰۳/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۲ دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی



ارز به جرمه نقدی موضوع ماده (۱۸) این قانون محکوم می‌گردد». بدیهی است که در حالت اخیر، رسیدگی ابتدایی در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است. صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی در رسیدگی به قاچاق کالا و ارز موضوع تبصره ۲ ماده ۲۱ در صورتی است که پیش از آن، حداقل دو مرتبه به موجب ماده ۲۱ و یا تبصره ۱ آن در خصوص مرتکب اتخاذ تصمیم قطعی شده باشد. با توجه به تعدد دستگاه‌های کاشف ضرورت پیش‌بینی سامانه‌ای برای ثبت محکومیت‌های موضوع ماده ۲۱ وجود دارد. هر چند در ماده ۷۳ قانون "پایگاه اطلاعات محکومان قاچاق کالا و ارز" پیش‌بینی شده است و اما این پایگاه شامل محکومان موضوع ماده ۲۱ نیست و نتیجه عملی این امر، عدم قابلیت اجرای حکم تبصره ۲ ماده ۲۱ است.

البته باید توجه داشت که چه‌بسا اختیار مقرر در ماده ۲۱، زمینه‌ساز سوءاستفاده نیز بشود و کاشفین ارزش کالا و یا ارز قاچاق را به صورت غیرواقعی در حدود نصاب مقرر در این ماده تعیین نمایند. این امر (از جمله) زمانی می‌تواند رخ دهد که در تبنانی بین مرتکب و کاشف، ارزش کالا و یا ارز قاچاق در حدود نصاب مقرر در ماده ۲۱ ارزش‌گذاری شود. از آنجا که در این موارد، اول، مرجع ارزش‌گذاری خود کاشف می‌باشد و نیازی به استعلام قیمت ارزش کالا و یا ارز مکشوفه از دستگاه‌های مأمور وصول دولت وجود ندارد و دوم، تنها سازوکار اعتراض به تصمیمات دستگاه کاشف به موجب تبصره ۱ ماده مذکور، اعتراض مرتکب در فرض ضبط کالا و یا ارز او توسط دستگاه‌های کاشف است و بدیهی است که در فرض تبنانی اعتراضی از سوی او صورت نخواهد گرفت.

## ۶. اعتراض به آرا

به موجب تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دستگاه‌های مأمور وصول درآمدهای دولت، دستگاه‌های کاشف و نیز ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز حق تجدیدنظرخواهی از آرای برائت صادره از شعب دادگاه‌های انقلاب و شعب بدوی تعزیرات حکومتی را دارند. دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی با وحدت ملاک، حق تجدیدنظرخواهی دستگاه‌های کاشف را به دیگر آرای قابل تجدیدنظرخواهی مقرر در تبصره ۲ ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری تسری داده است. «... با وحدت ملاک از تبصره ۳ ماده ۵۰ در خصوص حکم برائت، حکم آن در خصوص قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق نیز قابلیت تسری دارد»<sup>۱</sup>.

البته باید توجه داشت که حق تجدیدنظرخواهی دستگاه‌های کاشف از قرارهای منع و یا موقوفی تعقیب، فقط ناظر به قرارهای صادره در مرحله رسیدگی است و شامل قرارهای صادره از مقامات قضایی دادسرا در مرحله تحقیقات مقدماتی نمی‌باشد. در پرونده‌های قاچاق در صلاحیت مراجع

قضایی که پرونده، نخست در دادسرا رسیدگی می‌شود، اگر پرونده منتهی به صدور قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب شود، دستگاه‌های کاشف حق اعتراض نسبت به آن را نخواهند داشت و این بدین علت است که حکم تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز فقط ناظر به تجدیدنظرخواهی از آرای صادره از "شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب" بوده و شامل اعتراض به قرارهای صادره در مرحله تحقیقات مقدماتی نمی‌باشد و علاوه بر این، دستگاه‌های کاشف در مقررات کنونی برخلاف مقررات گذشته، "شاکی" محسوب نمی‌شوند (نیازپور، ۱۳۸: ۵۳ و ۵۴) و از این رو، به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری امکان اعتراض برای آنها وجود ندارد. با توجه به اینکه حکم تبصره ۳ ماده ۵۰ در خصوص تجدیدنظرخواهی دستگاه‌های کاشف خلاف اصل است؛ از این رو، امکان تفسیر موسع آن وجود ندارد؛ بنابراین، به حکم ماده ۵۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌بایست در موارد سکوت، به قانون آیین دادرسی کیفری رجوع نمود و مطابق حکم قانون اخیر، امکان اعتراض برای دستگاه‌های کاشف پیش‌بینی نشده است.

ظاهر تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز این است که هر یک از دستگاه‌های کاشف در پرونده، حق تجدیدنظرخواهی مستقل داشته و از این رو، این امر مستلزم ابلاغ آرای براءت به تمامی دستگاه‌های کاشف دخیل در پرونده (و همچنین، دادستان و دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز) و سپس حق تجدیدنظرخواهی مستقل هر یک از آنها است؛ اما از آنجا که این امر، خود، موجب اطاله دادرسی می‌شود و برخلاف سیاست قانون‌گذار در تسریع رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز است، شیوه‌نامه ابلاغ و تجدیدنظرخواهی آرا متضمن براءت و منع تعقیب قاچاق کالا و ارز به تصویب ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسیده است. مطابق این شیوه‌نامه، آرای براءت صادره از شعب دادگاه انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی به دبیرخانه کمیسیون‌های استانی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ابلاغ شده است و دستگاه‌ها تا حد امکان، بر اساس هماهنگی به عمل آمده، در خصوص تجدیدنظرخواهی یا عدم تجدیدنظرخواهی اقدام می‌کنند.

#### د. حمایت‌های قانونی از دستگاه‌های کاشف و کاشفین

مأموران مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تمامی سازمان‌های مربوطه در مقام انجام وظایف خود، با تهدیدهای درونی و بیرونی مواجه هستند که ضرورت حمایت از آنها در مقابل این تهدیدها امری بدیهی است (محسنی و رحمانی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲۱۶). اهمیت کشف جرایم به نحو کلی و بزه قاچاق کالا و ارز به صورت خاص، سبب شده است که قانون‌گذار حمایت‌های ویژه‌ای را از دستگاه‌های

کاشف و کاشفین به عمل بیاورد که این حمایت‌ها، گاه از نوع حمایت کیفری و گاه حمایت مالی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۱. جرم‌انگاری تمرد در مقابل کاشفین

از جمله مواردی که ممکن است در زمان کشف ائتفاق بیافتد، تمرد و حتی درگیری مسلحانه از سوی قاچاقچیان می‌باشد که مطابق گزارش‌ها، این امر در برخی نقاط نظیر استان‌های جنوبی کشور، امری متداول است و معمولاً با استفاده از فشفسه‌های آتش‌زا که در برخی موارد، قدرت انفجاری و اشتعال آن در حد یک نارنجک دستی است، صورت می‌گیرد (یزدانی و دستور، ۱۳۹۵: ۷). بر این اساس، با رویکرد حمایت کیفری از مأموران دستگاه‌های کاشف به‌موجب ماده ۳۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، «در صورتی که شخص حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق، در مواجهه با مأموران کاشف، به هر نحوی مقابله یا مقاومت نماید، اگر عمل مذکور از مصادیق دست‌بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد، علاوه بر مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق، به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود». در این ماده، مرتکب شخص حقیقی حامل یا مالک کالا و ارز قاچاق بوده که در مواجهه با مأموران کاشف موضوع ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و یا ضابطان (با استفاده یا بدون استفاده از سلاح سرد یا گرم) اقدام به مقابله یا مقاومت می‌نماید. در اینجا دو حالت متصور است: حالت نخست، در صورتی که مرتکب با به‌کاربردن سلاح، موجب سلب امنیت مردم گردد؛ که در این صورت، اقدام او مشمول عنوان "محاربه" می‌شود. حالت دوم، در صورتی که بر عمل فوق، عنوان محاربه صدق ننماید؛ که در این حالت، به‌موجب حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، از جهت تمرد در مقابل مأموران کاشف به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود و منطقی آن است که این حکم را مصداقی خاص از جرم تمرد نسبت به مأموران دولتی دانسته و در نتیجه، اعمال حکم ماده ۶۰۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی و تبصره آن در اینجا سالبه به انتفاء موضوع است.

همچنین، در مواردی که کشف کالا و یا ارز قاچاق، همراه با درگیری مسلحانه مرتکبان قاچاق با انواع سلاح گرم و آتش‌زا با مأموران کاشف باشد، در این صورت، قانون‌گذار با رویکرد حمایتی به‌موجب ماده ۵۹ قانون در حکمی استثنایی ضبط وسیله نقلیه را به نفع دستگاه کاشف پیش‌بینی نموده است. در این مورد، سؤال مهمی که مطرح می‌شود آن است که اگر قانون‌گذار درصدد تقویت دستگاه‌های کاشف بوده است، در درگیری مسلحانه چه خصوصیتی وجود دارد که فقط در این موارد، امکان ضبط خودرو به نفع دستگاه کاشف وجود دارد و چرا در دیگر مواردی که به‌موجب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز امکان ضبط خودرو وجود دارد، چنین حمایتی پیش‌بینی نشده است؟

## ۲. انتفای مسئولیت مدنی مأموران دستگاه‌های کاشف

به موجب ماده ۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، «دولت موظف است به منظور حمایت از مأمورانی که به موجب قانون، متکفل امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشند و به تشخیص مراجع قضایی در هنگام انجام وظیفه، ضمن رعایت ضوابط اداری و قانونی مربوط، با زیان جانی و مالی نسبت به خود و یا دیگران مواجه می‌شوند، ردیفی در قوانین بودجه هر سال برای ستاد پیش‌بینی نماید. ... اعتبارات این ردیف توسط دستگاه‌های کاشف به استناد گزارش بدوی و پس از تأیید ستاد هزینه می‌شود». حمایت موضوع این ماده از یک‌سو، شامل خسارات وارده به خود شخص مأمور و از سوی دیگر، خسارات وارده به اشخاص دیگر است. از حیث نوع خسارت نیز ماده شامل خسارات جانی و مالی است که منظور از خسارات جانی، مطلق خسارات جسمانی وارده به اشخاص (اعم از نفس و مادون نفس) و منظور از خسارت مالی، اعم از خسارت مادی و معنوی است و شامل تمامی خساراتی است که قابلیت جبران مالی دارند.

در صورتی که زیان جانی یا مالی متوجه دیگری باشد، مسئولیت جبران مدنی به دولت منتقل می‌شود و اگر خسارت به خود مأمور وارد شده باشد نیز دولت مسئول جبران آن است؛ البته به شرطی این امر محقق می‌گردد که مأمور در هنگام انجام وظیفه، ضوابط اداری و قانونی را رعایت کرده باشد. وجود چند تعارض و ابهامات موجب ناکارآمدی حمایت مقرر در ماده ۸ شده است: نخست آنکه، به موجب قسمت نخست ماده، شرط اعمال ماده آن است که اقدام مأمور "به تشخیص مراجع قضایی" مطابق ضوابط اداری و قانونی باشد و این در حالی است که به موجب قسمت دوم ماده، هزینه اعتبار پیش‌بینی شده توسط ستاد منوط به گزارش بدوی دستگاه کاشف مربوط است که نشان از آن دارد که نیازی به حکم مرجع قضایی نیست. دوم آنکه، با فرض اینکه تشخیص مرجع قضایی لازم باشد، سؤال این است که کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی به این امر را دارد و آیا موکول کردن این امر به حکم مقام قضایی، موجب درگیر نمودن مأموران با فرآیند طولانی دادرسی‌های قضایی نمی‌باشد؟ با توجه به اینکه پیش از این، به موجب حکم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، عدم مسئولیت مأمور دولتی در حالت عدم تقصیر در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده بود، در این صورت، سؤال این است که چطور صدر ماده ۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ادعای حمایت از مأموران را دارد؟ همچنین، آیا موکول کردن اجرای حکم مرجع قضایی به تأیید ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، خلاف اصول حقوقی نمی‌باشد؟

## ۳. پرداخت حق‌الکشف به کاشفین

سلامت عمل نیروهای درگیر در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، یکی از عوامل موثر در افزایش هزینه‌های

ارتکاب قاچاق برای مرتکب است (درویشی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۵). تعیین حق‌الکشف برای مأموران کاشف، گامی مثبت برای ارتقای سلامت مأموران و ایجاد انگیزه بیشتر در آنان جهت کشف کالای قاچاق است که از طرف قانون‌گذار مورد توجه قرار گرفته است. البته این سیاست تشویقی، به نوبه خود، تالی فاسد نیز به دنبال داشته است؛ بدین ترتیب که در برخی موارد، مأموران به منظور اخذ حق‌الکشف، حتی مزاحم کالاهای مجاز نیز شده‌اند تا بتوانند به نحوی از حق‌الکشف بهره‌مند شوند (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۵۷؛ ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۴۴). علاوه بر این، در عمل، گزارش‌هایی مبنی بر نارسایی‌هایی در پرداخت حق‌الکشف مبنی بر عدم پرداخت (امینی و محمدنژاد، ۱۳۹۷: ۱۱۳) و یا پرداخت آن با تأخیر وجود دارد و در مقابل، پیشنهاد پرداخت آن به صورت فوری وجود دارد (یوسفوند و خانی، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

یکی از تدابیری که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (به مانند قوانین پیشین) با هدف ایجاد انگیزه در کاشفین در جهت مبارزه هرچه فعال‌تر با قاچاق کالا و ارز و نیز ارتقای سلامت اداری پیش‌بینی نموده است، امکان پرداخت وجوهی به آنان با عنوان حق‌الکشف می‌باشد. به موجب تبصره ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «کلیه مبالغ حاصل از اجرای این قانون ... به حساب ویژه‌ای نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد. از وجوه واریزی، سالانه تا مبلغ دویست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای مبارزه با قاچاق کالا و ارز متناسب با تأثیر دستگاه‌های متکفل امر مبارزه با قاچاق و برنامه‌های ارائه شده مطابق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد ستاد و وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، میان کاشفان، دستگاه‌های ذی‌ربط و مراجع رسیدگی‌کننده هزینه می‌گردد». به موجب ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده (۷۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۴۵ درصد از مبلغ مذکور در تبصره ماده ۷۷ برای تشویق آن دسته از کارکنان دستگاه‌های کاشف که حسب جایگاه سازمانی مسئولیت کشف کالا و ارز قاچاق را برعهده دارند، به نسبت میزان کشفیات و دستگاه‌های مأمور وصول درآمدهای دولت و ستاد تقسیم می‌شود. هر چند که با توجه به نرخ تورم موجود در جامعه، پیش‌بینی عددی ثابت به عنوان بودجه حق‌الکشف به موجب تبصره ماده ۷۷ قانون و آیین‌نامه اجرایی آن محل اشکال است؛ اما در ادامه ماده ۱۱۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) قابلیت اجرای تبصره ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را با ابهام مواجه نمود: «کلیه وجوهی که به عنوان جزای نقدی یا جریمه نقدی بابت جرایم و تخلفات توسط مراجع قضایی، شبه‌قضایی، انتظامی و اداری و شرکت‌های دولتی اخذ می‌شود به خزانه واریز می‌گردد. دستگاه‌های ذی‌ربط حق استفاده از درآمد فوق را ندارند. دولت موظف است اعتبار مورد نیاز دستگاه‌های مذکور

را که از محل درآمد - هزینه تاکنون تأمین گردیده است، در ردیف‌های اعتبارات عمومی بودجه سنواتی مربوطه لحاظ نماید». تصویب این ماده، صرف‌نظر از آثاری مثبتی که از حیث نظم‌بخشی در بودجه ایفا می‌کند، از جهت ارتقای دادرسی منصفانه در مراجع قضایی و شبه‌قضایی نیز در خور تحسین است و با این مقرر، این مراجع دیگر اعمال مجازات را به عنوانی تدبیری جهت تأمین بودجه هزینه‌های خود تلقی نمی‌کنند. تبصره ۱ ماده مذکور به نحو تمثیل مصادیق موارد شمول ماده را بیان می‌نماید. «قوانین مغایر از جمله موارد ذیل از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون موقوف‌الاجرا می‌گردد: ۱ - تبصره ماده (۷۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی ...»؛ بنابراین، تبصره ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در طول اجرای قانون برنامه ششم کشور موقوف‌الاجرا بوده و پس از آن، در صورت عدم وجود مقرره‌ای دال بر عدم اجرای آن، مجدداً قابلیت اجرایی پیدا می‌نماید. البته برخی قائل به نسخ صریح ماده ۷۷ می‌باشند (ساداتی، ۱۳۹۹: ۸۱) که این نظر برخلاف ظاهر ماده ۱۱۸ است. با توجه به اعتبار پنج‌ساله قوانین توسعه پذیرش این دیدگاه می‌تواند منتهی به شکل‌گیری خلأ قانونی پس از اتمام مدت اعتبار قانون توسعه شود.

بر این اساس، مستند قانونی پرداخت حق‌الکشف - که همان تبصره ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بوده است - موقوف‌الاجرا شده و در نتیجه، پرداخت حق‌الکشف با ایراد مواجه خواهد بود. در جهت رفع این ایراد، در ادامه تبصره ۲ ماده ۱۱۸ (البته با بیانی مبهم) مقرر می‌دارد که «حکم ماده (۱۱۸) در طول اجرای قانون برنامه ششم توسعه، در موارد ذیل حاکم است: ۱ - بر تبصره ماده (۷۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در بخش اختصاص سالانه تا مبلغ دویست میلیارد ریال برای مبارزه با قاچاق کالا و ارز به کاشفان دستگاه‌های ذی‌ربط و مراجع رسیدگی‌کننده ...». نتیجه آنکه، در طول برنامه ششم، هر چند که امکان تأمین هزینه‌های دستگاه‌های مربوطه از محل بودجه مقرر در تبصره ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز وجود ندارد، اما موارد مقرر در بند ۱ تبصره ۲ ماده ۱۱۸ مذکور از این قاعده مستثنی است و در نتیجه، در شرایط کنونی نیز امکان پرداخت حق‌الکشف به کاشفان وجود دارد. به موجب تبصره ۳ ماده ۲۱ «به کشفیات موضوع این ماده (یعنی کشفیات تا میزان ده میلیون ریال) وجهی با عنوان حق‌الکشف یا پاداش تعلق نمی‌گیرد». قانون‌گذار به منظور رفع شائبه بی‌اعتباری گزارش کاشفین به سبب ذی‌نفع بودن مأموران از جهت بهره‌مندی آنان از پاداش حق‌الکشف، در یک اقدام منطقی و معقول در مواردی که قانون اختیار تصمیم‌گیری در خصوص ضبط کالا را به دستگاه کاشف تفویض نموده است، مأمورین کاشف را مستحق دریافت حق‌الکشف

و پاداش ندانسته است (آقازاده، ۱۳۹۵: ۱۵۳)؛ علاوه بر این، عدم تعلق حق‌الکشف به این موارد جزئی سبب می‌شود که کاشفان فعالیت‌های خود را بیشتر بر پرونده‌های مهم‌تر متمرکز نمایند. البته آن‌گونه که پیش از این نیز اشاره گردید، در صورت اختلال و یا تأخیر در پرداخت حق‌الکشف، خود ماده ۲۱ می‌تواند زمینه مناسبی را برای تبانی کاشف با مرتکب و کم‌ارزش‌گذاری کالا و ارز قاچاق مکشوفه و در نتیجه، ارتکاب جرایم مرتبط با فساد اداری را فراهم نماید.

### نتیجه‌گیری

گسترده‌گی و پیچیدگی بزه قاچاق کالا و ارز سبب اتخاذ سیاست کیفری افتراقی توسط قانون‌گذار در پاسخ‌دهی کنشی و واکنشی نسبت به این بزه شده است. یکی از جلوه‌های این سیاست افتراقی، پیش‌بینی نهادی با عنوان "دستگاه‌های کاشف" در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد که می‌بایست عملکرد این نهادها را متفاوت از نهاد "شاکی" مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری دانست؛ چراکه دستگاه کاشف بزه‌دیده مستقیم بزه قاچاق کالا و ارز نیست.

با توجه به تعریف ارائه‌شده در قانون از دستگاه‌های کاشف، وظیفه اصلی این دستگاه‌ها، آن‌گونه که از عنوان آن نیز برمی‌آید، کشف بزه قاچاق کالا و ارز می‌باشد و در این راستا، پس از کشف مکلف به تکمیل صورت‌جلسه کشف و تعیین ارزش اولیه کالا و ارز موضوع اتهام و ارسال آنها به مراجع رسیدگی‌کننده می‌باشند. اهمیت صورت‌جلسه کشف موجب جرم‌انگاری خاص جعل آن توسط قانون‌گذار شده است و اما با این وجود قانون‌گذار محتویات ضروری آن را به نحو منسجم و دقیق بیان نموده است و فقط از برخی از مواد قانونی پراکنده می‌توان به برخی از محتویات آن دست یافت.

قانون‌گذار در خصوص رسیدگی به برخی از پرونده‌های قاچاق و نیز تجدیدنظرخواهی از آرای برائت (و منع تعقیب) مراجع رسیدگی‌کننده، اختیاراتی را برای دستگاه‌های کاشف پیش‌بینی نموده است. در شرایط کنونی، نصاب مقرر برای صلاحیت رسیدگی دستگاه‌های کاشف تا ده میلیون ریال می‌باشد که در لایحه اصلاحی قانون این عدد تا پنجاه میلیون ریال می‌باشد که با توجه به تورم سال‌های اخیر در ایران به نظر می‌آید که می‌توان نصاب بالاتری را نیز در صلاحیت دستگاه‌های کاشف قرار داد و ثمره این امر استفاده از ظرفیت مراجع اداری برای رسیدگی به پرونده‌های خرد قاچاق و در مقابل امکان رسیدگی با سرعت و دقت بیشتر مراجع رسیدگی‌کننده (تعزیرات حکومتی) به پرونده‌های کلان و مهم است. در خصوص امکان اعتراض دستگاه‌های کاشف به آرای برائت و منع تعقیب صادره از شعب تعزیرات حکومتی و دادگاه‌های انقلاب تردیدی نیست و اما گسترش این

قابلیت تجدیدنظرخواهی به تصمیمات قضایی با نتیجه تقریباً مشابه تصمیمات قبلی (مانند قرار موقوفی تعقیب) ابهام وجود دارد و در مقابل عدم قابلیت اعتراض به قرار منع تعقیب صادره از شعب دادسرا می‌تواند محل اشکال باشد و نشان از سیاست کیفری ناهماهنگ قانون‌گذار دارد. با توجه به رابطه عموم و خصوص من‌وجه بین "دستگاه‌های کاشف" و "ضابطین دادگستری"، مأموران دستگاه‌های کاشف ضابط، از اختیارات مقرر در قانون برای ضابطین (به‌ویژه در جرایم مشهود) نیز برخوردار می‌باشند و در مقابل، مأموران دستگاه‌های کاشف غیرضابط از این اختیارات برخوردار نمی‌باشند و در نتیجه، در صورتی که در ضمن کشف کالا نیاز به اعمال اختیارات ضابطین باشد (مانند توقیف کالا و یا دستگیری متهم) این امر می‌بایست توسط ضابطین (و بصورت مشخص ضابطین عام) باشد.

در زمینه حمایت از دستگاه‌های کاشف و مأموران آنها نیز هرچند در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تمهیداتی پیش‌بینی شده‌است اما در این مورد، گاه تعارض‌ها و ابهام‌هایی در قانون وجود دارد که مانع بزرگی در تحقق عملی این حمایت‌ها می‌باشد. هرچند که در ماده ۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به موضوع جبران خسارت‌های وارده توسط مأموران دستگاه‌های کاشف در حین انجام وظیفه پرداخته شده‌است و اما تعارض بین صدر و ذیل ماده سبب طرح این سؤال می‌شود که آیا واقعا آن گونه که ماده قانونی ادعای آن را دارد، موجب حمایت از مأموران دستگاه‌های کاشف شده‌است و آیا این ماده حمایت جدیدی را به حمایت‌های قانونی مقرر در قوانین پیش از آن افزوده است؟ در زمینه حق‌الکشف نیز به‌عنوان یکی دیگر از سازوکارهای حمایت از مأموران دستگاه‌های کاشف، از یک‌سو، وضع ماده ۱۱۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) و تبصره‌های آن امکان پرداخت حق‌الکشف را با ابهام و حداقل با تردید مواجه نموده‌است و از سوی دیگر، در عمل نیز پرداخت آن با مشکلاتی چون عدم پرداخت و یا پرداخت دیر هنگام مواجه است.

### فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام؛ دانش، مصطفی (۱۳۹۸)، "تحلیل شکلی - ماهوی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز"، دو فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، سال اول، شماره ۲، صص ۴۵ - ۶۳
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶)، "پیشگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: چرایی، چیستی و چگونگی"، فصلنامه تحقیقات حقوقی، سال بیستم، شماره ۷۸، صص ۱۱۲ - ۱۲۹
- اجتهادی، سیدعبدالمجید (۱۳۹۶)، "بزه‌انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز، مبانی و جلوه‌ها"، رساله



- دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی (ره)
- اجتهادی، سیدعبدالمجید (۱۳۸۰)، "بررسی جرایم و مجازات‌های قاچاق کالا و ارز و شیوه رسیدگی به آن در حقوق کیفری ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران
- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۴)، بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی در قبال قاچاق کالا، تهران، آریان
- آقازاده، علیرضا (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی دادرسی کیفری قاچاق کالا در حقوق ایران، ترکیه و عراق، تهران، مجد
- امینی، جلال؛ محمدنژاد، مریم (۱۳۹۷)، "نقش و جایگاه ناجا در فرآیند مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی - تاریخی"، فصلنامه کارآگاه، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۷۶ - ۸۹
- بهره‌مند بگ‌نظر، حمید (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
- پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۸)، افتراقی شدن سیاست کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: جلوه‌ها و چالش‌ها در: نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، دایره‌المعارف علوم جنایی، ج چهارم، تهران، میزان
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش
- درویشی، صیاد و دیگران (۱۳۹۸)، "بررسی تأثیر اقدامات پلیس در مقابله با قاچاق کالا (مطالعه موردی شهرستان دلفان)"، فصلنامه کارآگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۹۸ - ۱۱۳
- دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی (۱۳۹۷)، مجموعه نظریه‌های مشورتی دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی، تهران، میزان
- رحمدل، منصور (۱۳۸۵)، "قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران با تکیه بر مصوبه سال ۱۳۷۴ مجمع تشخیص نظام"، دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۴۵ - ۶۱
- رودگر کوهپر، عطاءاله (۱۳۹۶)، جرم‌های گمرکی در: نیازپور، امیرحسین، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، تهران، میزان
- زارع مهدوی، قادر؛ سهرابی، محمد (۱۳۹۶)، "آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با قاچاق کالا"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۲۳ - ۳۸
- ساداتی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۹)، "آسیب‌شناسی سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه

- راهبردهای پلیس در مبارزه با قاچاق کالا"، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهاردهم، شماره ۵۴، صص ۷۸ - ۹۷
- سیف، الهمراد (۱۳۸۷)، قاچاق کالا در ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری، تهران، میزان
- فتحی، محمدجواد؛ امیر حاجیلو، فضل‌اله (۱۳۹۷)، "جلوه‌های دادرسی افتراق قاچاق کالا (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)"، دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، سال اول، شماره ۲، صص ۶۷ - ۷۹
- محسنی، فرید؛ رحمانی فرد، محسن (۱۳۹۹)، "نقش ساماندهی رفاه اقتصادی - شغلی گروه‌های در آستانه خطر در پیشگیری از وقوع قاچاق کالا و ارز"، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال بیست‌وسوم، شماره ۹۰، صص ۱۱۱ - ۱۲۳
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۸)، "جایگاه قانونی و وظایف سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا"، دوماهنامه اقتصاد پنهان، سال دوم، شماره‌های ۶ و ۷
- یزدانی، علی اکبر؛ دستور، علی (۱۳۹۵)، "نحوه تشکیل پرونده‌های قاچاق کالا و سیر مراحل رسیدگی"، فصلنامه دانش انتظامی هرمزگان، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۳۸ - ۵۳
- یوسفوند، جواد؛ خانی، سعید (۱۳۹۲)، "بررسی راهکارهای پیشگیری وضعی از قاچاق کالا با رویکرد انتظامی"، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال اول، شماره ۴، صص ۲۳ - ۴۰